

سوال: دیدگاه قرآن نسبت به معیار تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب انسان چیست؟

چکیده:

یکی از مباحث بسیار مهم، که نقش تعیین کننده در برنامه ریزی، انتخاب و ترسیم الگوی توسعه همه جانبه دارد، مسأله تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب است؛ چون از مباحث بنیادین در ارائه نظام اجتماعی اسلام، مسأله نیاز و معیاری برای تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب می باشد. هرچند بنا به دلایلی در علوم انسانی متعارف انگیزه ای برای ارائه چنین معیاری وجود ندارد، اما ما مسلمانان معتقدیم نیازهای واقعی مادی انسان خیلی کم تر از آن مقداری است که انسان ها درصدد تأمین آن هستند. دیدگاه اسلام در مورد نیازها، برخاسته از استعدادهای آدمی است و ارضای هر چیز که بستر را برای شکوفایی استعدادهای انسان مهیا سازد نیازهای واقعی شمرده می شوند و باید تأمین شود و هر چیزی که نقش در شکوفایی استعدادهای ندارد نیاز کاذب و غیرواقعی تلقی می شود و نباید تأمین شود.

کلمات کلیدی: انسان، نیازهای واقعی، نیازهای کاذب، معیار تشخیص نیاز های واقعی، استعدادها، قرآن.

پاسخ تفصیلی

معنای لغوی نیاز: نیاز، مساوی با حاجت.^۱ اِفتِقَار: نیاز مند، محتاج، کمبود داشتن در زندگی.^۲ اِفتِقَار: نیازمند، نیاز نیاز مند به چیزی که کمبودی در زندگی به شمار می رود.^۳ به هر صورت، نیاز چه مساوی با حاجت باشد و یا کمبود در زندگی و یا محتاج، هم معنی نیاز است که به نوع و اقسام خود در زندگی چایگاه خود را پیدا می کند.

^۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۳۵۹ ماده «ن ی»؛ فرهنگ معین، ماده «ن ی».

^۲. المنجد طلاب (فرهنگ عربی - فارسی، ص ۴۲۲.

^۳. فرهنگ معاصر عربی به فارسی، ج ۱، ص ۲۲۴.

معنی اصلاحی نیاز: نیاز که در پاره ای از نوشته ها آن را با انگیزه خواست و تمایل و آرزو مترادف دانسته اند به نیروی ذهنی اطلاق می شود که موجب انگیزش و سر زدن رفتار خاص از آدمی می گردد تا نیاز پیدا شده رفع گردد.^۴

این تعریف که از نیاز شده به وسیله هنری الکساندر ماری (H.A. Murray) بوده است. وی نیاز را این گونه تعریف می کند: «نیاز عبارت است از نیرویی که از ذهنیات و ادراک آدمی سرچشمه می گیرد و اندیشه و عمل را چنان تنظیم می کند که فرد به انجام رفتاری می پردازد تا وضع نامطلوب را در جهتی معین تغییر دهد و حالت نارضایتی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل کند. به نظر وی آدمی احتیاجات و نیازهایی دارد که نظری هستند و ظهور هر نیاز ایجاد تنیدگی یا ناراحتی می کند یعنی تعادل حیاتی را بر هم می زند. موجود زنده برای رفع این تنیدگی یعنی استقرار تعادل حیاتی به جنب و جوش می افتد و حرکات و اعمالی انجام می دهد.^۵ پس از این بیان، به تفصیل این تحقیق این گونه پرداخته می شود.

۱. شکوفایی استعدادها

یکی از مباحثی که می تواند در طراحی الگوی توسعه و تعریف آن، مبین بعضی از مباحث بنیادی باشد، شکوفایی استعدادها است که «معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب» است. برای بررسی این معیار باید به منابع دین اسلام به ویژه قرآن کریم رجوع کرد تا معلوم گردد که دین اسلام چه معیاری برای شکوفایی استعدادها داشته تا موجب تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب انسان گردد.

ارائه هرگونه معیاری که متضمن تشخیص شکوفایی استعداد و معیار صحیح نیازهای واقعی از نیازهای کاذب باشد بدون شناخت خود انسان میسر نخواهد بود. از این رو، بررسی ماهیت، گرایش ها و بینش ها و استعدادهای انسان نیاز ضروری تشخیص این معیار است، از آنجا که معیارهای ارایه شده از طرف مکاتب مادی مبتنی بر انسان شناسی ناقص و مبتنی بر غریزه می باشد، از دیدگاه اسلام نمی تواند مبین یک معیار صحیح باشد که مبتنی بر فطرت و غریزه هر دو می باشد،

^۴ مقاله هایی درباره مبانی رفتار سازمانی و انگیزش، گروهی از اساتید، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۵۵ و ۵۶ و ۵۸.

^۵ همان.

یکی از مسائل مهم در شکوفایی و ارائه معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب، تعیین اهداف خلقت انسان است. تعیین این اهداف با توجه به استعدادهای انسان امکان پذیر است، علم و دین. دو منبع مؤثر در شناخت انسان است که می تواند مبنایی برای گزینش و انتخاب اهداف انسان و رفع نیازها و پرورش استعدادهای انسان باشد. شناخت استعدادها و نیازهای آدمی و تمام شؤون وجودی او مستلزم بهره گیری از این دو منبع است؛ بدین لحاظ استحکام بنیان های این معیار در صورتی حاصل می شود که به تمام جنبه های وجودی انسان توجه شود.

در این میان، در فرایند تعیین معیار با دو نوع اندیشه دینی و غیر دینی مواجه هستیم. اندیشه دینی نیازهای واقعی را نیازهایی می داند که ارضای آنها باعث فعلیت یافتن و شکوفا شدن استعدادهای فطری و رسیدن به مقام شامخ «خلیفه الهی» می شود و اندیشه غیردینی نیازهایی را نیازهای واقعی می داند که ارضای آنها باعث اشباع غرایز و کامجویی هرچه بیشتر از طبیعت و انسان های دیگر می شود. چنین اندیشه ای به دنبال گسترش بی نهایت قدرت انتخاب مردم برای تأمین نیازهای مادی و دنیوی است.

تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب با ابعاد مختلف وجود آدمی سر و کار دارد. و مستلزم شناخت دقیق انسان است و شناخت دقیق انسان به آسانی میسر نیست. فلذا؛ اگر انسان دارای ماهیت قابل تعریف می بود، هرگز این همه اختلاف نظر میان محققان و صاحب نظران وجود نمی داشت. استعدادها و مختصات که در قرآن مجید درباره انسان آمده بیان ماهیت انسان نیستند، بلکه بیان کیفیت ها و حالاتی است که از انسان بروز می کند. هریک از نیروها و استعدادهای انسانی در مسیر طبیعی خود، جزئی از فطرت آدمی به شمار می روند. به عبارت دیگر جریان قانونی هریک از استعدادها و نیروهای انسان فطرت آن نیرو نامیده می شود. انسان موجودی است با استعدادهای بسیار که همین استعدادها موجب امتیاز او بر موجودات دیگر می شود.^۶

۲. نشأت گرفتن از یک واقعیت عینی

از دیگر نیاز های واقعی انسان در زندگی شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسان هاست که حکایت از یک واقعیت عینی دارد که در سایه تأمین نیازهایی محقق می شود که ما آن ها را «نیازهای واقعی» می نامیم و

^۶. ر.ک: تکاپوگر اندیشه ها، ص ۱۵۹-۱۵۸؛ اندیشه های علامه محمدتقی جعفری، ص ۱۷۱ و ۱۷۴.

ارضای نیازهایی که نقشی در شکوفا شدن استعدادها ندارند «نیازهای کاذب یا غیرواقعی» خوانده می شوند. در امور زندگی و هدف آن، همه، مردم را برای دنیا می خواهند اما امام علی (ع) مردم را برای خدا: «إِنِّي أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ وَ أَنْتُمْ تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ»^۷ بر مبنای اندیشه امام علی (ع)، انسان وقتی از عالم ماده دل برید دریچه های تازه ای برویش باز می شود. حیات و زندگی برایش معنای وسیعی پیدا می کند. روح انسان و شگفتیهای روح انسان برایش کشف و شکوفا می شود. واقعیت ها برای او آشکار شده و ظرافت و نیرومندی و تواناییهای انسان را در می یابد و می بیند. این نوع حکایات برای برخی گروهها اصلاً مطرح نمی باشد. از این جهت است، تا گام به مرحله عالی گذاشته نشود سایه حیات از هدف تشخیص داده نشده و استعداد های نهفته در وجود انسان بدون استفاده می میماند.

چنان که، این یک واقعیت است که انسان با نیازهای بی شماری به دنیا می آید. تلاش برای ارضای این نیازها طبیعی است. هر قدر این نیازها مناسب تر و بهتر برآورده شوند زندگی انسان بهتر و آسوده تر است، هر اندازه زندگی انسان مهیاتر باشد، باعث آسایش خاطر و خرسندی و احساس امنیت بیش تری می شود. چنین آسایش خاطری برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی ضروری است. بدیهی است اگر توسعه براساس شناخت نیازهای واقعی انسان و پرورش استعدادهای وی تعریف شود. رفاه و سعادت انسانی مفهوم حقیقی خود را باز خواهد یافت. اصولاً گفته می شود انسان بدون انگیزه دست به هیچ فعالیت و رفتاری نمی زند و از طرف دیگر هیچ انسانی دارای انگیزه ای نمی شود مگر بر اساس نیازی که برای او مطرح شده است و نیازها هم به نوبه خود از ضرورت پرورش استعدادها ناشی می شوند.

۳. تحقق هدف نهایی از آفرینش انسان

تحقق هدف نهایی از آفرینش انسان یک واقعیت انکار نا پذیر است، این حقیقت، زمانی بوقوع می پیوندد که انسان نیاز های واقعی خویش را بدست آورده و از این طریق به هدف نهایی آفرینش خویش دست یابد. از یک زاویه دیگر می توان نیازهای انسان را به نیازهای واقعی و نیازهای کاذب تقسیم کرد. نیازهای کاذب نیازهایی هستند که از هیچ واقعیت عینی نشأت نمی گیرد، بلکه شکل گرفته از مجموعه ای از پندارها و خیالات

^۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶.

شعارگونه و بی محتواسست که گاه برای پیشبرد اهداف خاصی ایجاد و پی گیری می شوند. نیازهای واقعی، نیازهایی هستند که از یک واقعیت عینی مایه می گیرند. و خود به دو دسته «مادی» و «معنوی» تقسیم می شود.

۸

شکی نیست ادیان الهی برای برطرف کردن نیازهای آدمی نازل گشته اند. نیازهایی که در صور مختلف تجلی می یابند گاهی مربوط به روح و روان آدمی اند و گاهی مربوط به جسم آدمی، و در این نکته هم شکی نیست که انسان بعضی از نیازهای خویش را ارتکازا می یابد اما به وضوح از درک همه نیازهای حقیقی خویش عاجز است، خصوصا نیازهای جزئی و پیچیده در مورد جسم و روان شخص و حیات اجتماعی. نکته اساسی در این بحث تمیز بین نیازهای واقعی و نیازهای تخیلی و وهمی است.^۹

اسلام سعی دارد انسان را به گونه ای رشد دهد که تمام حرکات و فعالیت هایش او را به هدف نهایی آفرینش که همان «قرب الهی» است نزدیک تر کند. از نظر اسلام فقط ارضای نیازهای واقعی است که می تواند انسان را به هدف نهایی خلقت نزدیک کند. به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا اباذر لیکن لک فی کل شیء نیة حتی فی النوم و الأکل»؛^{۱۰} یا اباذر باید برای تو در همه چیز حتی در خوردن و خوابیدن نیز نیت صالحی باشد.

اسلام برای انسان «حیات طیه» را می پسندد،^{۱۱} نه چنان حیاتی که فقط به برآوردن نیازهای حیوانی قناعت شود چه رسد به نیازهای کاذب؛ چون انسان حیوانی در ردیف سایر حیوانات نیست که نهایت کمال او تأمین نیازهای مادی اش باشد بلکه مقام او به قدری شریف است که زمین و آسمان و آنچه در میان آنهاست برای او آفریده شده است.^{۱۲} یک فرد مسلمان همانطور که از جهت نظری هیچ دلبستگی به دنیا و مظاهر فریبنده آن ندارد و از جهت عملی نیز هیچ گاه برای ارضای تمایلات نفسانی، نیازهای مادی خود را تأمین نمی کند، بلکه

^۸. نگرشی بر مدیریت در اسلام، ص ۹۳.

^۹. معرفت دینی، ص ۱۱۶.

^{۱۰}. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۲.

^{۱۱}. نحل: ۹۷.

^{۱۲}. ابراهیم: ۳۲ و ۳۳ / نحل: ۱۲ و ۱۴ / حج: ۶۵ / لقمان: ۲۰ / جائیه: ۱۲ / جائیه: ۱۳.

به آن جنبه انجام وظایف و تکالیف می دهد، حتی از برخی بهره مندی ها چشم پوشی می کند تا مصالح فردی و عمومی تأمین گردد و نیازی را برای تفاخر و خودنمایی و چشم و هم چشمی برآورده نمی سازد.

۴. نیازهای مادی و معنوی

از دیگر نیاز های انسان، نیاز های مادی و معنوی است. نیازهای انسان بعضی جنبه اختصاصی دارند و بعضی جنبه اشتراکی، آنچه جنبه اشتراکی دارد نیازهای مادی اند. نیازهای مادی، نیازهایی اند که در اثر به هم خوردن تعادل شیمیایی بدن به وجود می آیند و در همه انسان ها ثابت هستند. نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن، استراحت و همسر از جمله نیازهای مادی اند. این نیازها هرچند در اصل وجود خود ارتباطی به اعتقادات فرد ندارد ولی نحوه ارضای آنها کاملاً بستگی به بینش و اعتقادات فرد دارد. یکی این نیازها را با کم ترین مصرف تأمین می کند و دیگری پرخور، شکمبار و دامن باره است.

نیازهای معنوی، نیازهایی اند که از بعد روحانی انسان سرچشمه می گیرند و بعد از ارضای نیازهای مادی اساسی بدن، ظاهر می شوند. برای این ظهور، رسیدن به سن خاصی مطرح نیست برخلاف نیازهای جسمانی که بروز آنها به سن وابسته است؛ مثلاً رسیدن به سن بلوغ شرط بروز نیازهای جنسی است ولی نیازهای معنوی به اندام خاصی مربوط نیست و علت زیست شناختی ندارد و ارضای آنها انسان را به سوی کانون های غیر مادی می کشاند و معیار و ملاک انسانیت شمرده می شود.^{۱۳}

اصولاً نیازهای معنوی والای بشر زاده ایمان و اعتقاد و دلبستگی های او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق، هم ماورای فردی است و هم عام و شامل و ماورای مادی است؛ یعنی از نوع نفع و سرمایه مادی نیست. این گونه ایمان ها و دلبستگی ها به نوبه خود مولود برخی جهان بینی ها و جهان شناسی هاست که یا از طرف پیامبران الهی به بشر عرضه شده است و یا برخی فلاسفه خواسته اند نوعی تفکر عرضه نمایند که ایمان زا و آرمان خیز بوده باشد. به هر حال نیازهای والا، معنوی و فوق حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیر بنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام «ایمان» به خود می گیرد.^{۱۴}

^{۱۳}. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۹۱.

^{۱۴}. همان، ج ۲، ص ۲۴.

۵. دیدگاه قرآن درباره نیازهای کاذب

در فرایند توسعه هدف جوامع برخورداری انسان ها از یک زندگی با کیفیت خوب است. جوامعی که در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های خود دو عامل مهم «مبدأ هستی» و «سرانجام هستی» را در نظر نمی گیرند، معیارهایی که برای کیفیت خوب در نظر می گیرند «حداکثر سازی گزینه های مادی انتخاب مردم» است؛ نظیر آن چه در «حداکثر سازی مطلوبیت» و «حداکثر سازی سود» گفتند. در حالی که از نظر قرآن چنین جوامعی نه تنها از زندگی با کیفیت خوب برخوردار نیستند بلکه از زندگی تنگ برخوردارند. خدای سبحان در این مورد می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و در روز قیامت نیز او را نابینا محسوس می کنیم».^{۱۵} اثر دنیوی نادیده گرفتن آن دو عامل «زندگی تنگ» و اثر اخروی آن «نابینایی» است اما از نظر قرآن که دعوت کننده به دو عامل فوق است، کیفیت خوب یعنی تأمین بودن گزینه هایی که جامعه را به «حیات طیبه» برساند. از نظر خداوند که خالق انسان هاست هدف انسان ها از تأمین نیازها باید شکوفا ساختن استعداد لقای پروردگار باشد که در آخرت تحقق می یابد. خداوند در این مورد می فرماید: «إِتَّبِعْ فِيمَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسِ نَفْسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا... وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و با آنچه خدایت به تو داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن... و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد».^{۱۶}

سهم هر فرد از دنیا به آن مقدار است که به آن نیاز دارد و نیاز انسان هم از استعدادها و قوایی که دارد و باید به فعلیت برسند ناشی می شود. از نظر قرآن کریم حداکثر سازی سهم هر فرد از دنیا موجب فساد زمین می شود. از این آیه و دو آیه زیر استفاده می شود تأمین نیازهای کاذب و غیرواقعی انسان موجب فساد کلی جهان هستی از جمله خود انسان ها می شود. «وَلَوْ إِبْتَغَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ؛ اگر اهل حق از هوس های آنها (اهل باطل) پیروی می کرد. قطعاً آسمان ها و زمین و هر که در آنهاست، تباه می شد».^{۱۷}

^{۱۵}. طه، ۱۲۴.

^{۱۶}. قصص، ۷۷.

^{۱۷}. مؤمنون: ۷۱.

مراد از هوس، خواست های نامشروع است که هیچ گونه اثری در فعلیت یافتن استعداد های اصیل انسانی ندارد و تنها اثر آن تباهی زمین و آسمان و هر آنچه در آنهاست، می باشد. خواست های نامشروع همان ارضای نیاز های کاذب است. خداوند اهل حق را از پیروی اهل باطل در ارضای نیاز های کاذب نهی می کند و آن ها را از عاقبت بد آن بیم می دهد: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و و دریا نمودار شده است»^{۱۸}.

آنچه مورد نهی و مذمت خداوند در این دو آیه قرار گرفته است، ارضای نیاز های توهمی و خیالی است که هیچ گونه اثر سازنده و مثبتی در شکوفایی استعداد های انسانی ندارند و الا ارضای نیاز های واقعی به عنوان مقدمه شکوفایی استعداد های انسان مورد امر و فرض خداوند هم واقع شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و وسیله تقرب به سوی او را بجوید و در راه او جهاد و تلاش کنید، باشد که رستگار شوید^{۱۹}. در این آیه خداوند خطاب به مؤمنین می فرماید برای رستگار شدن بعد از ایمان، تقوای الهی را پیشه کنید و با تهیه وسیله تأمین نیاز های واقعی در جهت شکوفایی استعداد «رسیدن به خداوند» تلاش و کوشش کنید.

۶. ریشه توجه انسان ها به نیاز های کاذب

مکاتب الحادی یک تفسیر کاملاً مادی از هستی ارائه می دهند، معتقدند: انسان پدیده ای است طبیعی نظیر یک حیوان یا گیاه. کالبد، مغز و روح وی به طور مافوق طبیعی خلق نشده بلکه محصول تحول مادی است و تحت کنترل و هدایت هیچ موجود مافوق مادی نیست «قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»؛ و گفتند: غیر از زندگانی دنیای ما چیز دیگری نیست می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند^{۲۰}.

^{۱۸}. روم، ۴۱.

^{۱۹}. مائده، ۳۵.

^{۲۰}. جائیه: ۲۴.

بر اساس این نظریه مادی، خلقت انسان توسط هیچ مدبری طراحی، برنامه ریزی و هدایت نشده بلکه انسان محصول تحول تدریجی ماده در طول زمان محسوب می شود. بر اساس همین نظریه، زمین هم خلق نشده بلکه برآمده است و تمامی حیوانات و گیاهان از ذرات اولیه پراکنده به واسطه فرایندهای مادی در طول زمان برآمده و تکامل یافته اند.

نتیجه

بنا به آنچه که در معیار نیازهای واقعی و کاذب و غیر واقعی انسان بیان گردید، به این حقیقت اشاره دارد که نیاز واقعی انسان، نیازهای است که در زمینه رشد و شکوفایی استعداد های مادی و معنوی نقش داشته، نشأت گرفته از یک واقعیت عینی بوده و مایه تحقق هدف نهایی از آفرینش انسان باشد. انسان با بر خوداری از این گونه زمینه ها و با تأمین این گونه نیازها، زمینه رشد و شکوفایی ابعاد مختلف در انسان فراهم گردد. اما نیازهای غیر واقعی و کاذب، نیازهای است که در جهت شکوفایی استعداد انسان تأثیر مثبتی نداشته؛ بلکه بر اساس آرمان های لحظه ای و گذرا و لذت های غیر واقعی، آن را نیاز دانسته که هیچ گونه توجه به آینده نگری نداشته باشد. از این جهت است که قرآن کریم از این نوع نیازها که انسان را به خود مشغول کرده و هیچ گونه جنبه مثبت در آن دیده نشده است، بیشتر شبیه به زندگی حیوانی بوده و بدور از حیات طیبه باشد، زندگی نکبت یار یاد کرده است.

منابع مطالعه:

۱. فلسفه و هدف زندگی، علامه محمد تقی جعفری، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
 ۲. قرآن و دنیای معاصر، محمد علی رضایی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۱.
- حدیث: امام صادق (ع) می فرماید: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ، سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت (آرامش)، عدالت و آسایش (رفاه) (تحف العقول، ص ۳۲۰)

منابع:

قرآن

نهج البلاغه

اندیشه های علامه محمدتقی جعفری، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.

بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۱۵ق.

تکاپوگر اندیشه ها، عبدالله نصر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، تابستان ۱۳۷۶

خودشناسی برای خودسازی، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۵.

فرهنگ فارسی معین، محمد معین، ناشر: فرهنگ نما، کتاب آراد، تهران، ۱۳۸۷ش.

فرهنگ معاصر، آذر تاش آذر نوش، نشر نی، تهران، ۱۳۹۱.

مجله معرفت، شماره ۷۵، (پایگاه اطلاع رسانی حوزه) (مقاله: معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای

کاذب از دیدگاه اسلام)، خلیلی، نصر الله، قم، ۱۳۵۹.

مجموعه آثار، مرتضی مطهری، نشر صدرا، تهران.

مقاله هایی درباره مبانی رفتار سازمانی و انگیزش، گروهی از اساتید، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران،

المنجد طلاب، عربی به فارسی، ترجمه بندر بیگی، انتشارات اسلامی، چاپ ۴، تهران، ۱۳۶۲.

لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. مشخصات نشر: تهران: موسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

نگرشی بر مدیریت در اسلام، جمعی از علما و دانشمندان، چاپ دوم، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران،

۱۳۷۵.